



۲۰۲۰/۱۲/۱۹



راديو فرانسه

انقلاب بهار عربی: آتشی که ده سال پیش شعله ور شد، هنوز زیر خاکستر روشن است

ده سال پیش، جهان عرب شاهد آغاز یک سری شورش های گسترده مردمی بود که در بطن خود خواست قدرتمند آزادی، آزادی خواهی و عدالت طلبی را فریاد می زد. نسیمی که با انقلاب گل یاس در تونس آغاز شد، بتدریج بزرگ و نیرومندتر شد و مبدل به طوفانی گردید که بسیاری از کشورهای عربی را در نوردید و نام انقلاب بهار عربی به خود گرفت. اما جنبش اصیل و خالصی که طی چند ماه موفق شد تا شماری از دیکتاتورهای جهان عرب را از اریکه قدرت پائین بکشد، فردایی ناگوار داشت. سرکوب و جنگ داخلی در سوریه، لیبی و یمن، بازگشت دیکتاتوری در مصر و ادامه بحران اقتصادی در تونس که خاستگاه این واقعه تاریخی بود. اما به رغم سرکوب ها و ناگواری ها، آتشی که ده سال پیش برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی در تونس شعله ور شد؛ هنوز خاموش نشده و زیر خاکستر روشن است.

از تونس گرفته تا یمن، در مصر، لیبی یا سوریه، تظاهرات و اعتراضات گسترده مردمی در بهترین حالت منجر به اصلاحاتی کوتاه مدت و ناپایدار شد و در بدترین حالت با بازگشت به نظم استبدادی گذشته، و درگیری های بی پایان مسلح ادامه دارد.

اما، علیرغم همه این ناکامی ها، شعله این جنبش عمیق دموکراسی خواهی هنوز خاموش نشده است. بروز یک سلسله قیام های اعتراضی در هشت سال پس از آغاز انقلاب بهار عربی در سودان، الجزایر، عراق و لبنان این موضوع را گواهی می دهد.

خود سوزی نامیدانه محمد بوعزیزی در تونس

همه چیز درست ده سال پیش در روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، هنگامی که یک جوان فروشنده خیابانی، محمد بوعزیزی، جوانی تحصیل کرده که تحت آزار و اذیت پلیس قرار گرفته بود، خود را در مقابل فرمانداری شهر کوچک و فقیر "سیدی بوزید" در مرکز تونس به آتش کشید.

عمل نامیدانه این جوان تحصیل کرده خشم و عصبانیتی را بین مردم ایجاد کرد که هرگز در تونس سابقه نشده است. انتشار گسترده سرنوشت غم انگیز او در شبکه های اجتماعی نوظهور تونس مردم خسته از دیکتاتوری و فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی را به خیابان ها سرازیر کرد. محمد بوعزیزی در اثر جراحات وارده در ۴ ژانویه ۲۰۱۱ درگذشت، در حالی که اعتراضات علیه رژیم خودکامه زین العابدین بن علی، رئیس جمهوری تونس که به مدت ۲۳ سال در قدرت بود، به شدت فراگیر شد و گسترش یافت. آتشی که محمد بوعزیزی روشن

کرد مبدل به آتشی بسیار گسترده در این کشور شد که تمامی پایه های قدرت بن علی، این دیکتاتور تونس را سوزاند و منجر به سقوط و فرار وی از کشور شد.

پس از ده روز اعتراضات سراسری در تونس، بن علی اولین مستبد جهان عرب بود که تحت فشار مردم و تظاهرات خیابانی مجبور به فرار شد. وی دوران تبعید را در عربستان سعودی آغاز کرد و در سال ۲۰۱۹ دربی تفاوتی کامل مردم تونس درگذشت. اما در هفته های پس از سقوط وی، تظاهرات اعتراضی طرفداران دموکراسی در مصر، لیبی، یمن و... شعله ور شد.

انقلاب بهار عربی در مصر

از روز ۲۵ ژانویه، تظاهرات گسترده اعتراضی در خیابان های قاهره، بزرگترین شهر جهان عرب، به پدیده ای که از چند هفته قبل در تونس آغاز شده بود، نام "انقلاب بهار عربی" داد. مردم جهان از دیدن تصاویری که صدها هزار نفر در قاهره اقدام به تظاهرات اعتراضی کرده و خواستار کناره گیری حسنی مبارک، رئیس جمهوری این کشور شدند- که از سال ۱۹۸۱ در قدرت است، متعجب شدند.

پیام امید و خوشحالی که با پخش گسترده این تصاویر در کانال های خبری تلویزیونی ایجاد کرد، موجب شد که مردم جهان برای مدتی تفکر تقدیرگرایی حاکم بر حیات سیاسی کشورهای خاورمیانه را بدرقه کنند و به خود بگویند همه چیز در آنجا امکان پذیر است.

برو بیرون دیکتاتور

با الهام گرفتن از انقلاب گل یاس مردم تونس، شعار "برو بیرون!" و "مردم خواهان سقوط رژیم هستند" بتدریج در همه جهان عرب شنیده شد و احساس یک سرنوشت منطقه ای مشترک را تقویت کرد. سرنوشتی که این باور را تقویت می کند که نسیم برخاسته از آزادی خواهی به تدریج مبدل به طوفانی می شود و زیر پای همه مستبدان و خودکامگان در جهان عرب را جارو می کند.

در همین حال این واژه ها که در شعارها بازتاب می یابد، تبلور آرزوی قدرتمند ده ها میلیون مردم عرب برای تغییرات سیاسی و آزادی بوده است. این فریاد نسلی بوده است که تا آن زمان ظرفیت های خود را نمی شناختند. دلهره ها با تکرار این واژه ها و شعارها کاهش می یافت و مردم برای مدتی از سایه ترس رهایی می یافتند و خود را آزاد می دیدند.

در آن هنگام "پارادایم" جدیدی در خاورمیانه در حال ظهور بود، "پارادایمی" مبتنی بر این درک جمعی که استبداد شکست ناپذیر نیست و تغییرات اساسی می تواند از درون باشد و فقط نتیجه بازی های ژئوپلیتیک جهانی نیست.

لینا مونزر نویسنده و مترجم لبنانی که روابط نزدیکی با مردم دو کشور مصر و سوریه دارد می گوید: «من نمی دانم چه چیزی بیش از این هیجان آور و برجسته تر است که مردم یک کشور برای رسیدن به یک زندگی آبرومندانه با یدیگر همصدا شوند. این موضوع ثابت می کند که مردم میتوانند علیه بدترین استبدادها قیام کنند، که شجاعت کافی [...] برای رویارویی با یک ارتش کامل وجود دارد.»

لینا مونزر در ادامه می گوید که به یاد می آورد: «شبی که حسنی مبارک سقوط کرد، من از شادی گریه کردم. باور نمی کردم مردم مصر تا این اندازه شجاع و برانزده باشند. به نظر می رسید فصل جدیدی آغاز شده بود.»

سپس، آغاز جنبش را در سوریه به یاد می آورم. اگر من برای مصر خوشحال بودم، و تعجب می کردم، برای آغاز جنبش در سوریه به شدت به وجد آمده بودم.»

زمستان عربی

افزون بر بن علی و مبارک، انقلاب بهار عربی سرنگونی معمر قذافی در لیبی، علی عبدالله صالح در یمن و سپس، هشت سال بعد، عمر البشیر در سودان را امکان پذیر کرد. این انقلاب در کل پنج دیکتاتور جهان عرب و یکصد و چهل و شش سال حکومت استبدادی را به زیر کشید.

طی ماههای نخستین این آشفتگی تاریخی، اثر "دومینو" این جنبش اجتناب ناپذیر به نظر می رسید. ولی هنوز بسیاری از مستبدان عرب دست نخورده باقی مانده اند.

اما "بهار" که مدتها انتظار آن را کشیده اند، به این زودی از بین نمی رود. طنز تاریخ را بنگرید، عبارت "بهار عربی" که در اواخر ژانویه سال ۲۰۱۱ ظاهر شد، در کشورهای منطقه که اصطلاحات "قیام" و "انقلاب" را ترجیح می دهند، به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است.

در هر صورت "بهار عربی" در اکثریت کشورهای عربی به سرعت عملکرد متضادی را ایجاد کرد که در نوشته نوئا فلدمن آمریکایی به نام "زمستان عربی" مطرح شده است. فلدمن در این کتاب می نویسد: «انقلاب "بهار عربی" به استثنای کشور تونس، در دیگر کشورها با ایجاد اصلاحات دموکراتیک مورد تقاضای مردم اعتراضی همراه نشده و نتوانسه خلا ایجاد شده در اثر سقوط رژیم های مستبد را پر کند. از آن بدتر، گاهی اوقات باعث درگیری های مسلحانه در برخی کشورها شده است.»

در مصر، انتخاب محمد مرسی، یک اسلام گرای اخوان المسلمینی در سال ۲۰۱۲ با مخالفت شدید برخی از معترضین روبرو شد که زمینه را برای سرنگونی وی در سال بعد توسط ارتش فراهم می کند. سرنگونی مرسی با سرکوب خونینی همراه شد.

ژنرال عبدالفتاح السیسی رژیمی را بر مصر حاکم کرد که حداقل به اندازه رژیم مبارک استبدادی است و در زیر چشم خیرخواه و حیرت زده غرب و با شعار مبارزه علیه اسلام گرایی همه آزادی های مورد درخواست مردم مصر را سرکوب می کند.

اعتراضات گسترده در بحرین، تنها رژیم پادشاهی خلیج فارس که در سال ۲۰۱۱ انقلاب بهار عربی را تجربه کرده است، با حمایت نظامی و مالی عربستان سعودی به طرز وحشیانه ای سرکوب شد. این سرکوب شدید مردم بحرین برای جلوگیری از سرایت انقلاب بهار عربی به عربستان طرح ریزی شده بود.

در آن سوی منطقه، تظاهرات آرام مردمی در الجزایر، کشوری که یکبار توسط جنگ داخلی ضربه دیده است، تا کنون نتیجه مثبتی به بار نیاورده است. در مراکش، جنبش ۲۰ فوریه ۲۰۱۱ توسط اصلاحات آرایشی و سرکوب قضایی مخفی حکومت در نطفه خفه شد.

در لیبی، انقلابیون به گروههای بی شماری در کشوری تقسیم شده اند و این کشور بیش از هر زمان دیگری پراکنده و مستعد دخالت های خارجی است. یمن، فقیرترین کشور در شبه جزیره عربستان نیز درگیر یک جنگ داخلی با تبعات منطقه ای شده است.

اما می توان گفت که قیر بهار عربی در سوریه کنده شده است، جایی که اعتراضات دموکراسی خواهانه مردم آن به درگیری بی رحمانه تبدیل شده است. نوجوانان در عا در مارس ۲۰۱۱ بر روی دیواری در این شهر جنوبی

سوریه با اشاره به بشار اسد رئیس جمهوری سوریه، چشم پزشك آموزش دیده در انگلستان ، نوشتند: " دکتر،نوبت شماست."

در سوریه، چرخش حوادث و انفعال بین المللی درهای جهنم دیگری را باز کرد: سرکوب بی پایان، نفرت بین مردم و اقوام این کشور که در حال گسترش است. نفرتی که بستری برای جهادگران در سوریه و جاهای دیگر شد. گسترش جهادی ها با اعلامیه "خلافت" خود خوانده گروه دولت اسلامی (داعش) در سال ۲۰۱۴ در دامنه سوریه و عراق به اوج خود رسید. کشوری تخریب شده با بیش از ۳۸۵ هزار قربانی و میلیون ها پناهنده نتیجه اسفناکی بود که همه را برای انقلاب به فکر وا می دارد. ختم

